

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

دپلوم انجنیر نسرين معروفی- برلین
۸ مارچ ۲۰۱۱

مبارزه به منظور تأمین حقوق و آزادی زن،

جزء لاینفک مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع است

برگزاری هشتم مارچ در سطح جهانی بیانگر اتحاد زنان سراسر جهان جهت بهتر شدن وضع زندگی و شرایط کار است که اقدامات مبارزاتی زنان سوسیالیست در زمینه باعث شد تا از این روز تجلیل به عمل آید. اینکه چرا روز زن را در هشتم مارچ برگزارش میکنند، تاریخ بس طولانی دارد که در اینجا فشرده به تذکر آن پرداخته می شود. اولین جرقه مبارزاتی که به وجود آمد، تظاهرات زنان کارگر در فابریکه پارچه بافی در نیویارک در سال ۱۸۵۸ بود بعداً اعتصاب زنان کارگر در فابریکه های تکه بافی و تنباکو در منهتن در سال ۱۹۰۸ بود که به وقوع پیوست.

اعتصاباتی را که زنان کارگر به تاریخ هشتم مارچ ۱۹۰۸ در داخل فابریکه بدان دست زدند، منجر به نابودی ۱۲۹ زن کارگر گردید. این حادثه وحشتناک از جانب کسانیکه کارگران را در موقع کارکردن تحت کنترل داشتند و تحت اوامر صاحب فابریکه باید عمل میکردند، به وقوع پیوست، طوری صورت گرفت که تمام درهای خروجی فابریکه به روی کارگران مسدود گردید تا توانسته باشند جلوی ارتباط و تماسهای کارگران را با اتحادیه های صنفی و کارگری و همچنان تاثیرات مبارزه آنها را بالای کارگران دیگر فابریکه ها بگیرند. همین بود که آتش در داخل فابریکه شعله ور گردید و زنان کارگر کمی توانستند از سدی که کارفرمایان به وجود آورده بودند، خود را بیرون کشیده نجات دهند. سوختن ۱۲۹ زن کارگر در آتش جهنم سرمایه جهت اعاده حقوق انسانی ایشان تکانی بود که افکار مبارزاتی زنان جهان را به شور آورده و در سال ۱۹۰۹ در تمام شهرهای امریکا از این روز تجلیل به عمل آوردند که بعداً کارگران در ممالک مختلف اروپا قدم فرا تر گذاشته و برای اولین بار کنفرانس روز بین المللی زن را در سال ۱۹۱۰ در کوپن هاگن به اشتراک تعداد کثیری از زنان جهان دائر نمودند.

آنها روی تجارب سیاسی که داشتند، اینرا میدانستند که زنان بدون مبارزه هرگز به حقوق خود نخواهند رسید. بعد از گذارشات و صحبت هائیکه در زمینه صورت گرفت تصمیم بر آن شد تا در آینده برگزاری روز زن همه ساله با روحیه بین المللی تجلیل به عمل آید. این ابتکار زنان سوسیالیست که در رأس آن "کلارا زتکین" و "کلته دونکرس" قرار داشتند، باعث شد که زنان توانستند تاحدی از حقوق حقه و قانونی خود آگاه شوند. چنانچه در دومین کنفرانس

بین‌المللی روز زن که به تاریخ ۲۸-۲۶ اگست سال ۱۹۱۱ صورت گرفت موضوع بحث، حق انتخابات زنان بود. کلارا زتکین می نویسد "مساوات" یعنی "هدف از برآورده شدن حقوق زن به حیث انسان به حیث یک شخصیت، رهائی وی از هر نوع حاکمیت، زیر هر عنوانی که باشد، می باشد." دامنه این فعالیتها و مبارزات سیاسی از سالها بدینسو در ممالک اروپائی و امریکا و دیگر نقاط جهان توسعه یافته که امروز در تظاهرات و اعتصاباتیکه صورت میگیرد نه تنها حقوق زن مطرح است بلکه علیه ظلم، جور و زبونی، علیه استعمار، مداخلات و جنگ های امپریالیستی و برآورده شدن حقوق انسان در کل صورت می گیرد.

با حرکت از این موضع که رهائی زن از قیود ددمنشانه نظام های مرد سالار از یک سود به درهم شکستن آن نظام ها وابسته است و از جانب دیگر چنین امری بدون اتحاد و به هم پیوستگی تمام زحمتکشان جهان امری نیست که در چشمرس قرار داشته باشد؛ بناءً باید با خلقهای ستمدیده جهان متحد شویم و روحیه انترناسیونالیستی را در خود پرورش دهیم و در راه آزادی خلق های جهان و زنان که جزء خلق اند، صدای خود را بلند کنیم و امر آزادی انسانرا مربوط به خود بدانیم. این یگانه راهیست که ما از طریق آن میتوانیم امپریالیسم جنایت گستر را از پا آوریم و به آزادی ملت و خلق خود نائل شویم.

از ده سال بدینسو تجاوز امپریالیسم جنایت گستر امریکا و شرکاء اعم از ناتو و خارج آن بر میهن ما افغانستان و تداوم خونبار آن منجر به نابودی انسانها و انهدام داشته های ارزشهای مادی و معنوی زحمتکشان ما گردیده است.

افغانستان کشوریست که حدود ۲۸ میلیون نفوس دارد. از این میان ۲۰ میلیون آن در دهات و قصبات و شهرهای کوچک زندگی میکنند. در هر صورت نصف مجموع نفوس را زنان تشکیل میدهند. اینها با فرهنگ فیودالی، سنت و باورهای قبیله‌ئی، احکام دینی و مذهبی رویرو و درگیر هستند. به گفته بزرگمرد تاریخ " یک مرد معمولاً تحت تسلط سه سستیم قدرتی قرار میگیرد (قدرت سیاسی، قدرت قبیله‌ئی و قدرت مذهبی) ... راجع به زنان، آنها علاوه برآنکه تحت تسلط این سه قدرت هستند، زیر تسلط مردان (قدرت شوهر) نیز قرار میگیرند. این چهار قدرت، یعنی قدرت سیاسی، قبیله‌ئی، مذهبی و قدرت شوهر، تمام ایدئولوژی و نظام فئودالی پدر شاهی را متبلور میسازد و چهار طناب بسیار ضخیمی است که دست و پای خلق ستم دیده و مخصوصاً دهقانان را می بندد."

وضع اقتصادی زنان در دهات روز تا روز بدتر میشود. ۱۰ میلیون زن با گرسنگی و قحطی و نداشتن وسایل اولی زندگانی دست و پنجه نرم میکنند. در شرایطی که کشور ما تحت اشغال امپریالیسم امریکا و ناتو قرار دارد، خلق افغانستان محکوم و محروم از همه حقوق انسانی، تحت سیطره اشغالگران و مرتجعان مورد اهانت و کشت و کشتار قرار دارند و در بدترین شرایط زندگی میکنند. ۷۰ فیصد مردم کار ندارند برای ۲ تا ۵ میلیون طفل امکانات آموزش میسر نیست. ملیونها انسان با گرسنگی و بدون داشتن آب پاک نوشیدنی و برق زندگی میکنند. از موضوعات صحی اصلاً خبری نیست. از زمان اشغال کشور ما بدینسو ۷۰.۰۰۰ انسانی که تعداد زیادی از آنان زنان و کودکان بودند، قربانی حملات نظامی امپریالیسم متجاوز گردیدند. طوری که همه می دانیم در هر کشوری که استعمار بیداد میکند، به درجه اول زنان و کودکان هستند که قربانی امیال ضد بشری آنها میگردند.

اوضاع مرگبار زنان و دخترانی که امروز قربانی امیال شهوانی عساکر امریکا و ناتو میشوند، بیانگر دشواریهای مادی و معنوی آنها در چنگال امپریالیسم امریکااست. امریکا به خاطر ارضای سپاهیانش، باند های تجارت سازمانیافته فحشاء و مواد مخدر را تقویت و حمایت میکند. زنان افغانستان به خاطر مشکلات مادی و روانی که دامنگیر شان شده است، روز تا روز آغشته به مواد مخدر میشوند. دختران و پسران خردسال خود را در بدل پول به فروش میرسانند و یا اینکه دختران خرد سال مجبور به ازدواجهای جبری و ناخواسته با مردان مسن میگردند، که

در نتیجه دست به خودکشی زده به زندگی رقت بار خود خاتمه میدهند. زنان افغانستان زندگی را با صدها درد و رنج و مصیبت و ماتم و ترس و وحشت در چنگال امپریالیسم، اداره مستعمراتی و تحت قوانین ارتجاع اسلامی و سنت های سخیف جامعه مردسالار در اسارت میگذرانند.

خلفها و مخصوصاً زنان در کشورهایی که تحت قوانین متجاوزان و تحت سیطره حکومتی که ماهیت و پایه آن ارتجاعی است و با حاکمیت فرهنگ مردسالار، تطبیق قوانین دینی و مذهبی زندگی میکنند، از تمام حقوق انسانی محروم گردیده و اگر بخواهند صدای خود را علیه آنها بلند کنند، صدای ایشان در گلو خفه میشود.

در کشور ما افغانستان، امپریالیسم با هزار توطئه و فریب تا حال کوشش کرده که روحیه دلسوزانه و دموکراسی مابانه اش را به جهان زیر نام دموکراسی، آزادی و حقوق زن حفظ نماید و با شرکت معدودی از زنان و آنها به شکل نمایشی در کابینه اداره مستعمراتی و پارلمان این اداره بر همه جنایات خود سرخاب دموکراسی بمالد. البته هستند در چنین جوامع زنانیکه آزادی و منافع خود را در موجودیت قوای اشغالگر و اداره دست نشانده می بینند و به خاطر کسب منافع و امتیازات اقتصادی خود تحت فرمان و اوامر استعمار و اداره مستعمراتی کرزی همچون مزدوران خود را در خدمت آنها قرار داده و بر همه جنایات آنها قانونیت و مشروعیت می بخشند و این خیانتیست که در حق خلق ستمدیده من جمله زنان رنج دیده و ستم کشیده، انجام میدهند.

اینها غافل از آنند که روزی دگرگونی سیستم استعماری و سیستمهای کهنه و پوسیده مردسالار، حاکمیت دین و مذهب، ارتجاع و اسلام سیاسی و طالبی با مبارزات زنان و مردان با شهامت و آزادیخواه تحقق یافته و با اتحاد و همبستگی مبارزاتی خلقهای ستمدیده جهان، دشمن مشترک یعنی امپریالیسم جهانی و ارتجاع هار مذهبی را در گورستان سرمایه که خود تهداب آنرا گذاشته اند، دفن خواهند کرد.

هشتم مارچ ۲۰۱۱ برگزاری صدمین سالگرد روز بین المللی زن است که زنان مبارز برای به دست آوردن حقوق حقه خود دست به تظاهرات و اعتصابات زدند. مارا عقیده برآن است که مبارزه ما به خاطر اعاده حقوق و آزادیهای دموکراتیک فقط زمانی میتواند مفید باشد که در مبارزه با امپریالیسم عجین شده و در بستر مبارزه ضد امپریالیستی، آن حقوق بدست آید. هدف مبارزه ما زنان افغانستان در این روز به دست آوردن حقوق و آزادی تنها زن افغان نیست بلکه مبارزه ما در راه آزادی و برآورده شدن حقوق انسان افغان در بند اسارت از یوغ امپریالیسم امریکا و شرکاء و ارتجاع هار مذهبی است.

آزادی خلق در بند افغانستان بدون همبستگی مبارزاتی خلقهای جهان امکان پذیر نیست و زنان خود جزء خلق اند!!!

زنده باد مبارزات خلقهای سراسر جهان و مرگ بر امپریالیسم جهانخوار!!!

زنده باد همبستگی مبارزاتی زنان افغان- با زنان جهان